

## مقدمه

در کتابخانه آستانه مقدسه حضرت فاطمه معصومه علیها السلام یک مجموعه مکاتبات وجود دارد که به شماره ۹۵۰ در بخش خطی نگاهداری می شود. این مجموعه حاصل زحمات یکی از دبیران فاضل و پرجارقم در دهه ۵۰ به نام سید اشرف الدین کیایی طالقانی است که بسیار به مطالعه بها می داده، آنگاه یافته های خود را - که بیشتر پیرامون امامت بوده اند - از عالمان و مراجع تقلید آن روزگار می پرسیده است.

متن پرسش ها که غالباً طولانی است، گاه به شکل نقل یک بخش چند صفحه ای از یک کتاب، گاهی تلخیص بخشی از یک کتاب، گاهی مشتمل بر نقد و بررسی یک کتاب، و گاه مجموعه ای از عناوین در یک مبحث است.

عالمانی که دستخط آنها در پاسخ این پرسش ها موجود است، بزرگانی هستند مانند حضرات آیات: سید محمد رضا گلپایگانی، سید ابوالقاسم خویی، شیخ رضا مدنی کاشانی، سید شهاب الدین مرعشی، سید محمد هادی میلانی، سید محمد حسین طباطبائی، سید عبدالحسین دستغیب، میرزا محمد باقر آشتیانی و میرزا خلیل کمره ای. پاسخ ها نیز گاهی بسیار موجز است، در حد یکی دو کلمه، و گاه طولانی تا حد یک صفحه بزرگ.

جناب کیایی هر گروه از این پرسش و پاسخ ها را درون یک پوشه نهاده و مجموعه آن پوشه ها را مانند یک کتاب نفیس و پرماده به آیندگان سپرده است.

تحلیل و بررسی دقیق این مجموعه زمانی مستقل می طلبد و شاید لازمه آن انتشار متن کامل پرسش و پاسخ ها باشد که فعلاً در فرصت و توان این بنده نیست. اما از آنجا که بیشتر این پرسش ها به مباحث امامت و مسائل پیرامون آن پیوند می یابد، نشر برخی از پاسخ ها را - در زمان اندکی که در اختیار بود - به عنوان راه میانه برگزیدم: میانه اهمال به این مجموعه از یک سوی که انصاف نبود، و نشر کامل آن که فرصت لازم برای آن نبود.

بدین روی، پرسش های طولانی را در حد یکی دو سطر تلخیص کردم. و برخی از پاسخ های

نسبتاً مبسوط را در اینجا آوردم. بدان امید که - به مصداق «کم ترک الأول للآخر» - این کار به دست دیگری به طور کامل سامان گیرد. ضمناً در برخی از پاسخ‌ها تاریخ جواب درج شده که عیناً نقل شد. اما در مورد برخی دیگر که تاریخ جواب نداشت، تاریخ سؤال قید شد که طبعاً پاسخ در زمانی کوتاه پس از آن بوده است.

### [۱-۵] بیان علامه طباطبایی در باره ولایت تکوینی

به واسطه استناد به این وجوه و نظایر آنها است که منکرین، ولایت تکوینی را انکار کرده‌اند و ولایت تکوینی را - که بطور موجه کلیه، در عده زیادی از روایات و مدارک دینی وارد است - نپذیرفته‌اند و آن را شرک می‌دانند؛ با اینکه نصاً در قرآن کریم، در قصه آصف و تخت بلقیس آمده است: «انا آتیک به قبل ان یرتد الیک طرفک»<sup>۱</sup>، که صریح است در تصرف در تکوین. و یک واقعه و صد هزار واقعه فرق ندارد؛ اگر شرک باشد، همه شرک است.

و عمده اشتباه آقایان در این است که میان واسطه فیض و مستقل در فیض فرق نمی‌گذارند. [المیزان ج ۲۰، ص ۱۵۲-۱۵۵]<sup>۲</sup>. و واسطه فیض را خالق به تمام معنی و مستقل در ایجاد می‌دانند و شریک می‌پندارند؛ با اینکه از راه اخبار، سازمان حیات را در عالم منسوب به اسرافیل می‌دانند و سازمان موت را منسوب به عزرائیل و سازمان ارزاق را منسوب به میکائیل و سازمان علم و تربیت را منسوب به جبرائیل؛ و هیچ شرکی هم لازم نمی‌آید. و بالمآل این مذاق به مذاق اشاعره بر می‌گردد که در عالم هستی جز خدا فاعل قائل نیستند و نتیجه آن، جبر است با اشکالاتی که دارد.

والسلام علیکم  
محمد حسین طباطبایی  
[تاریخ سؤال ۱۰/۲۸/۵۴]

### [۲-۵] بیان دیگر از علامه طباطبایی در مورد مقامات حضرت زهرا علیها السلام

بسمه تعالی

السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

نبوت و رسالت، منصبی است که به رسول اکرم اختصاص دارد. و امامت و خلافت،

۱. نمل/۴۰.

۲. این ارجاع، افزوده‌گیایی به متن نوشتار علامه طباطبایی است.

منصب‌هایی هستند که از چهارده معصوم بغیر حضرت صدیقه - سلام الله علیها - اختصاص دارند. و اما ولایت - چنان‌که از کتاب و سنت به دست می‌آید - مشترک است و حضرت صدیقه نیز ولایت را داشته و مبدأ فیوضات است.

والسلام علیکم  
محمد حسین طباطبایی  
[تاریخ سؤال ۵۵/۱/۲۰]

### [۳-۵ - بیان آیه الله سید محمد هادی میلانی در باره ولایت تشریحی و ولایت تکوینی]

۲۶ جمادی الأولى ۱۳۹۰

بسمه تعالی شأنه

۱- ولایت تشریحی، داشتن حق تصرف است در امورات مردم و اداره آنها، مانند ولایت فقیه بر نصب قیّم برای اداره امورات و نصب متولی برای اوقافی که متولی ندارد و غیر ذلک. و گاهی ولایت تشریحی حق تصدی قانون‌گذاری را گویند، چنان‌که سنی‌ها در حق بزرگان‌شان قائلند. و به همین مناسبت است که برایشان تکتّف در نماز و نافله ضحی و غیر آنها را تشریح کرده‌اند.

۲- ولایت تکوینی، یک قسمی از آن عبارت است از مجرای فیض بودن نسبت به کائنات فی الجملة، که عموم انبیا و اوصیا داشته‌اند.

و قسم دیگر عبارت است از ولایت کلیه تکوینی، که مجرای فیض بودن است نسبت به جمیع عالم امکان، که در حق پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و ائمه اطهار عَلَيْهِمُ السَّلَام ثابت شده.

و دلیل آن عبارت است از گفته خود صاحبان ولایت، که بیش از حد تواتر به ما رسیده است و دروغ و جزاف نفرموده‌اند؛ زیرا آن بزرگواران، صادق و مصدّق می‌باشند.

و این دلیل بر هر کس که به کتب احادیث معتبره از پیغمبر اکرم و ائمه اطهار عَلَيْهِمُ السَّلَام مراجعه نماید روشن است، علاوه بر ادله عقلیه غیر قابل ردّ که در جای خود مذکور است. و انکار این مقام، نقص است از نظر مذهب جعفری.

۳- این بزرگواران، چنان‌که علت غائی عالم می‌باشند و عالم برای وجود آنها آفریده شده، واسطه و مجرای فیض نیز می‌باشند که فیض وجود از آنان مرور کرده و به اذن خدا به دیگران می‌رسد. و این را اصطلاحاً «فاعل مابه الوجود» می‌گویند، و غیر از «فاعل ما منه

الوجود» است که به معنی آفریننده و وجود دهنده است، که جز خدای متعال آفریننده‌ای نیست، و آفرینش منحصر به ذات مقدس پروردگار است.

و به جهت مثال برای واسطه بودن، آفتاب است نسبت به نشو و نمای اجسام، که ما به الوجود در این مرحله است و آفریننده و وجود دهنده، خدا است و بس.

الحاصل در آفریدن و وجود دادن که منحصر به خدای متعال می‌باشد، هیچ کس شرکت ندارد؛ زیرا کسی چیزی از خود ندارد و موجودیت هر چیز، بدون استثنا از خداست و بس. و ائمه اطهار علیهم‌السلام به حسب مقام نورانیت شان، به اذن خدا و اراده خدا واسطه فیض می‌باشند؛ و کمال قرب و رفعت مقامشان به همین جهت است که خودشان بلاواسطه فیض می‌گیرند و دیگران به جهت نداشتن این استعداد، نیاز به واسطه دارند. در خاتمه دو مطلب گفته می‌شود:

اولاً اینکه انسان نبایستی به هرموهوماتی گوش دهد و عقیده مند شود. خداوند متعال می‌فرماید: «ولا تقف ما لیس لک به علم ان السمع و البصر و الفؤاد کل اولئک کان عنه مسؤلاً»<sup>۱</sup>.

ثانیاً، مسلمانان با همدیگر معاشرت داشته باشند؛ و در گفت و شنود، از هوا و هوس بپرهیزند؛ و غرض نفسانی نداشته باشند؛ و به وحدت کلمه اهمیت بدهند که خداوند متعال می‌فرماید: «واعتصموا بحبل الله جمیعاً و لا تفرقوا»<sup>۲</sup>. پس نبایستی با دستور قرآنی مخالفت نمود.

والتأیید منه سبحانه و تعالی

محمد هادی الحسینی المیلانی

[۴-۵ - بیان علامه طباطبایی درباره مشکلات زندگی و فوائد مستتر در آن و چند نکته دیگر]

۵۴/۹/۶

به عرض می‌رساند

نامه شریف زیارت شد. و از مراجع جناب‌عالی کاملاً متشکر و سپاسگزار می‌باشم.

جواب سؤالات

۱- مطلبی که در جواهرالولایة درج شده حق است.<sup>۳</sup>

۱. اسراء/۳۶.

۲. آل عمران/۱۰۳.

۳. مضمون مطلب منقول از آن کتاب که مورد پرسش بوده، این است که ائمه اطهار علیهم‌السلام با وجود قدرت‌های

۲- مسأله تشیع غزالی به دست سید مرتضی رازی نقل شده. ولی به عقیده بنده اگر کسی تمام کتاب *سِرِّ العالمین* را با دقت مطالعه کند تردید نخواهد داشت که غزالی سنی است.

۳- محرومیت‌ها و گرفتاری‌ها که در مسیر زندگی پیش می‌آید، هم فائده دارد و هم سبب تکامل است و هم متعلق قضا و قدر.

فائده داشتن آنها از این جهت است که حیات دنیا، زندگی امتحانی است و گرفتاری‌ها به منزله محکی است که جوهر ذات انسان به وسیله آن بروز می‌کند و حجت الهی بر انسان تمام می‌شود. ومعنی تکامل همین است، والله الحجة البالغة.

و متعلق قضا و قدر بودن آنها، از این جهت است که هر حادثه و واقعه کلی و جزئی، از قضا و قدر خالی نیست. و تعلق قضا و قدر به فعل انسان، انسان را مجبور نمی‌کند؛ زیرا مشیت الهی اینطور بوده که انسان فلان فعل را به اختیار خود بکند. پس فعل، اختیاری است، اگرچه معصیت باشد.

والسلام علیکم  
محمد حسین طباطبایی

### [۵-۵- بیان آیه الله شهید دستغیب در باره ولایت تکوینی]

#### بسمه تعالی

حضرت السید الجلیل مولانا السید اشرف الدین کیائی - سلمه الله؛ انشاء الله تعالی سلامت و موفق بوده باشید. نامه گرامی زیارت شد. و راجع به ولایت و مقام علم و قدرت ائمه طاهرین علیهم السلام مرقوم داشته بودید.

باید دانست هر کس هر چه بگوید یا بنویسد، در حد ادراک خود آل محمد - صلوات الله علیهم - را وصف نموده؛ و باید بداند که مقام آنها از آن بالاتر است، که جز خودشان و جدّ امجد آنها حضرت رسول، حقیقت آنها را نشانخته است.

و راجع به توسل به آل محمد علیهم السلام و آثار قطعیه آن، پس آن از ضروریات مذهب ما است. و خلاصه آنچه را از کتاب *عدة الداعی* و کتاب نشریه جناب آقای رشاد زنجانی در تهران نقل فرمودید، تماماً صحیح است.

معنوی الهی، در زندگی عادی غالباً به روش عادی - یعنی بدون استفاده از آن قدرت‌های معنوی - می‌زیسته‌اند.

خداوند ما را از موالیان آل محمد ﷺ و عارفین به حق آنها و مرحومین به شفاعت آنها و محشورین در زمره آنها قرار دهد. جمعنا الله تعالی و ایاکم مع ساداتنا و موالینا فی دار کرامته.

والسلام علیکم ورحمة الله  
۲۹ شهر شوال ۱۳۹۳  
الأحقر عبد الحسین دستغیب الحسینی

### [۶-۵ بیان شهید دستغیب در باره حضرت زهرا - سلام الله علیها]

بسم الله الرحمن الرحیم

حضرة السيد الجلیل والفاضل النبیل السيد أشرف الدین کیائی - دامت برکاته؛ انشاء الله تعالی وجود شریف به سلامت و موفق و مؤید و محفوظ بوده باشید. نامه گرامی زیارت شد. آنچه را که راجع به مقامات حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا - صلوات الله و سلامه علیها و علی آبیها و بعلها و بنیها - مرقوم داشتید، تماماً صحیح و مطابق ادله قطعیه است. و از مطالعه آنها محظوظ و مستفیض شدم و شما را دعا کردم. خداوند معرفت ما و شما را نسبت به مقامات آل محمد ﷺ زیادت فرماید و ما را از محبین و شیعیان آنها قرار دهد.

اللهم زدنا معرفتهم و محبتهم و احشرننا فی زمرةهم و اجمع بیننا و بینهم فی دار کرامتک و مستقر رحمتک إنک قریب مجیب.

امید است این ضعیف را از دعا فراموش نفرماید.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته  
به تاریخ ۲۶ ربیع الأول ۱۳۹۶  
الأحقر سید عبد الحسین دستغیب الحسینی

